



## روش‌شناسی تفسیر آیت‌الله نجفی با مروری بر زندگی و آثار او

حمیدرضا فهیمی تبار\*

### چکیده:

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی آقا نجفی کاشانی، از نوادر علمایی است که در پنجاه سال اخیر در کاشان، مجدانه به تفسیر قرآن روی آورد و کل قرآن را دوبار طی سی سال برای مردم کاشان تفسیر کرد. او تحصیلات سطح و خارج را در حوزه نجف گذراند و در دو حوزه نجف و قم به تدریس پرداخت. وی علاوه بر تدریس تفسیر برای عموم مردم، به نوشتن تفسیر مبادرت کرد. از مجموعه آثار تفسیری وی، به عنوان میراث مکتوب منطقه کاشان، روش‌شناسی این مفسر را می‌توان جست‌وجو کرد. در این پژوهش، ابتدا به موضوع زندگی و معرفی آثار علمی معظم له و در نهایت، به روش‌شناسی تفسیر او پرداخته شده است.

### کلیدواژه‌ها:

آیت‌الله نجفی، تفسیر قرآن، روش‌شناسی تفسیر.

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱

\* استادیار دانشگاه کاشان / h\_fahimitabar@yahoo.com



## مقدمه

کمتر کسی در سن و سال نگارنده این مقاله است که در کاشان زندگی کرده باشد و نام آیت‌الله حاج شیخ علی آقا نجفی کاشانی را نشنیده باشد. دو عبارت «مسجد میرنشانه» و «تفسیر حاج شیخ علی آقا»، حداقل از چهار دهه قبل در ذهن همسالان من نقش بسته است. سیره او، تعریف دیگری از مسجد را به اندیشه جوانان این منطقه ارائه کرد. نماز اول وقت، آراستگی، نظم و متانت حضور در محراب، آموزه‌هایی بود که امام جماعت دانشمند، رشید و متین مسجد میرنشانه به کاشانی‌ها آموخت و تفسیر قرآن را در ادبیات مردم این منطقه زنده کرد. هرچند تفسیر مکتوبی از کل قرآن از آیت‌الله نجفی به جا نمانده است، اما او تفسیر را در کاشان جان تازه‌ای بخشید و برگ افتخاری بر کتاب افتخارات قرآنی جغرافیای کاشان افزود و نام و یاد خود را با علامه فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی و ملا فتح الله کاشانی، صاحب تفسیر منهج الصادقین پیوند داد و سیمای خویش را در خاطره تاریخی کاشانی‌ها ماندگار کرد.

از آنجا که تفسیر آیت الله نجفی از جمله میراث گرانبهای تفسیر قرآن امامیه است، نگارنده در این مقاله، ضمن قلمی کردن روش تفسیری این مفسر شیعی، به معرفی او و آثارش پرداخته و چهره دیگری از طلایه‌داران میراث فرهنگی و علمی کاشان را معرفی کرده است.

## ۱. زندگی‌نامه

آیت‌الله حاج شیخ علی آقا نجفی کاشانی، در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در خانواده علم و فقاقت چشم به هستی گشود. پدرش، آیت‌الله حاج شیخ مهدی نجفی<sup>۱</sup> که در میان مردم کاشان به عالمی متقی، زاهد و اهل سیر و سلوک مشهور شده بود، اولین معلم اخلاق کودکی او بود که سال‌ها بعد بر مسند تدریس تفسیر قرآن و اخلاق تکیه زد. تحصیلات ابتدایی این نوباوه خوش استعداد کاشانی، در مدرسه مرحوم مدرس سپری شد و پس از فراغت از تحصیل دوره ابتدایی، به شغل خیاطی روی آورد اما دست تقدیر، راه دیگری را برایش رقم زده بود. او پس از مدتی اقامت در تهران به

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او

زادگاه خود مراجعت نمود، سپس به تهران رفت و شغل خیاطی را پیشه کرد. اولین دعوت به خوان آسمانی علوم علوی را در سن ۲۲ سالگی در یک رؤیای صادقه دریافت کرد و در همان زمان، همراه پدر با کاروانی که رهسپار کربلا بود، به عراق رفت و در شهر نجف در مدرسه آخوند بزرگ در جوار امیرالمؤمنین (ع)، دوران نوین زندگی علمی خود را آغاز کرد و در مدت ده سال، دروس سطح و خارج را به پایان برد. آیت الله نجفی، کتاب قوانین را نزد مرحوم آقا سید احمد اشکوری، مکاسب را نزد مرحوم حاج آقا میرزا حسن یزدی، تفسیر برهان را نزد مرحوم آقا سید ابوالاعلی، علم عروض را نزد مرحوم آقا شیخ شعبان علی، هیئت را نزد مرحوم آقا سید احمد محلاتی، فقه و اصول را در محضر مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله سید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت الله خویی آموخت.

مرحوم آیت الله حاج شیخ جواد کربلایی (از علمای معاصر تهران) در این باره می گوید: «حدود ۱۲ سال در نجف اشرف با حضرت آیت الله حاج شیخ علی آقا هم مباحثه بودیم. از شرح لمعه تا درس خارج مرحوم آیت الله خویی را مباحثه کردیم. در مباحثه و صحبت کردن بسیار آرام و متین بود. ۱۲ سال با هم مأنوس بودیم و شب‌هایی را در مسجد کوفه معتکف می شدیم. ایشان درس را مقدم بر هر کاری می دانست و گاهی فقط شب‌ها به حرم حضرت امیر (ع) مشرف می شد و گاهی نیز در ایام زیارتی به کربلا می رفت. در ماه محرم که در مدرسه مراسم عزاداری برپا می شد، فقط در اواخر جلسه، آن هم برای ذکر مصیبت می آمدند و بقیه اوقاتش برای مطالعه در اتاقش صرف می شد.» (مصاحبه حضوری)

این ستاره پر فروغ به صاعقه ذوق طبیعی و هوش و حافظه قوی چنان درخشید که در حوزه نجف به عنوان بهترین استاد حاشیه ملا عبدالله و مطول نام برداشت و درسش زبانزد طلاب شد. (ر.ک: «به یاد استاد آیت الله نجفی»، ص ۳۳)

این طلبه حجره‌نشین مدرسه آخوند، علاوه بر حاشیه و مطول دروس معالم و مغنی اللیب را نیز تدریس می کرد. آیت الله جزائری (از علمای معاصر خرم‌آباد) در این باره می گوید: «از صفات بارز ایشان، دقت فراوان در کار علمی بود. از هیچ کلمه‌ای بدون

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



کاوش و دقت و عمق نظر نمی‌گذشت. هر درسی را که می‌گفت، در واقع درس خارج بود و همه نکات جنبی و مطالب فرعی را نیز بیان می‌کرد؛ برای نمونه، کتاب معنی - که نزد ایشان خواندیم - آیات زیادی از قرآن دارد؛ ایشان وقتی به آیات می‌رسید، تفسیر می‌کرد و حتی گاهی اختلاف آرای تفسیری را بیان می‌کرد. به این صورت درس معنی او، درس تفسیری هم می‌شد و بعضی اوقات به نهج البلاغه استشهاد می‌فرمود؛ طوری نهج البلاغه را شرح می‌فرمود که از تسلط او بر کلام حضرت امیرالمؤمنین (ع) حکایت می‌کرد.<sup>۲</sup>

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین، حاج شیخ علی دوانی در همین باره چنین می‌نگارد: «حوزه درس او بیشترین شاگرد را داشت. آرامش روح، بیان جالب و طلاقت لسان او، شاگردان را طوری تحت تأثیر قرار می‌داد که مزیدی بر آن متصور نیست. بدون یک دقیقه تأخیر در درس حاضر می‌شد، با بسم الله و درود بر پیامبر و ائمه (ع) یکی دو سطر کتاب را از رو می‌خواند، سپس سر برمی‌داشت، تمام درس را شمرده و سنجیده و فهمیده شرح می‌داد... چنان بود که شاگردان را به نحو محسوس و چشمگیری مجذوب می‌کرد که کان علی رئوسهم الطیر... آیت الله نجفی علاوه بر دروس مرسوم در حوزه، در ایام تعطیل به درخواست برخی از طلاب، به تدریس نهج البلاغه نیز مبادرت می‌فرمود.» (ر.ک: همان، ص ۳۴)

به هر روی، آیت الله نجفی بعد از ده سال تحصیل در نجف، عازم ایران شد و پس از مدت کوتاهی اقامت در کاشان و بعد از سفری به مشهد و اصفهان، بار دیگر رهسپار نجف شد و پس از دو سال اقامت در نجف، به قم عزیمت کرد و برای مدت سه سال در این شهر مقیم شد و به تدریس رسائل و مکاسب مشغول پرداخت. (ر.ک: همان جا)

کسانی که در درس فقهی آیت الله نجفی در قم شرکت می‌کردند، کامشان از نحوه تدریس او، هنوز شیرین است. استاد که علم نجوم و هیئت را در نجف فرا گرفته بود، ماکتی از منظومه شمسی ساخت و مباحث فقهی را که با علم هیئت نسبتی داشت، از

روی آن تدریس می‌کرد. وی ضمن تدریس، هم‌زمان در درس فقه آیت الله بروجردی و فلسفه علامه طباطبایی حضور می‌یافت. کسالت آیت الله حاج شیخ مهدی نجفی، والد

روش‌شناسی تفسیر  
آیت الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او

معظم له از یک سو و اصرار مردم کاشان از سوی دیگر، آیت‌الله نجفی را برای همیشه ساکن زادگاه خود کرد و تا پایان عمر در این شهر ماند.

آیت‌الله نجفی، هرگز به اقامه نماز جماعت بسنده نکرد، بررسی آثار منتشر شده و سخنرانی‌های معظم له نشان می‌دهد فعالیت‌های فرهنگی و علمی او به گونه‌ای سامان می‌گرفت که پاسخی درخور نیاز زمان باشد؛ از جمله فعالیت‌های فرهنگی و علمی تحسین‌برانگیز ایشان در کاشان، ارائه تفسیر قرآن در دو دوره (در مدت سی سال) است. وی در دوره اول، تمامی قرآن را در ۱۲ سال و برای بار دوم، کل قرآن را در مدت ۱۸ سال تفسیر کرد. متأسفانه فقط بخشی از تفاسیر ضبط شده به صورت نوار موجود است.

آنچه موجب می‌شد خیل مشتاقان برای سال‌ها در مسجد میرنشانه، دل به کلام آیت‌الله نجفی بسپارند، تنها رسایی بیان و شیوایی کلام و شیرینی زبان او نبود؛ به راستی آنچه پیر و جوان، تحصیل کرده و تحصیل ناکرده را مجذوب او کرده بود، تواضع، مناعت طبع، قناعت، و زهد و اخلاصی بود که از او، مفسری زبانزد ساخته بود. اخلاق و زندگی قرآنی او، کلامش را در دل‌ها می‌نشانند. کاشانی‌ها هنوز به یاد دارند که مباحث تفسیری او، به‌ویژه در شب‌های قدر ماه رمضان، آنچنان ارائه می‌شد که با هر واژه‌ای، طوفانی در جان‌های مستعد برپا می‌کرد و زنجیری از پایشان می‌گشود و آن‌ها را از عالم ماده تا بی‌نهایت پرواز می‌داد.

مسجد محل تفسیر آیت‌الله نجفی در دوران ستم شاهی، به راستی سنگر معنوی انبوه جوانان بود و در طول انقلاب و دوران دفاع مقدس، هزاران نفر مشتاقانه از اندیشه زلال او بهره می‌گرفتند و این نبود مگر اینکه مردم آنچه را به عنوان اخلاق از او می‌شنیدند، در رفتار و منش وی می‌دیدند. اگر در مذمت زخارف دنیوی و پوچ انگاشتن شهرت‌های زودگذر سخن می‌گفت، در عمل هم، ایمان قلبی خود را به آن نشان می‌داد. آری مردم دیده بودند که هنگام ورود به مجالس دینی، کسی جرأت نداشت با صلوات از او استقبال کند؛ آرام و با خضوع وارد مسجد می‌شد و از وجودش هویدا بود که هیاهوی برخاستن مردم را به هنگام ورود برنمی‌تابد.<sup>۳</sup> او به

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



گونه‌ای رفتار می‌کرد که سخن می‌گفت، و طوری سخن می‌گفت که رفتار می‌کرد. اگر دیگران را به صبر و شکیبایی در برابر مصیبت فرا می‌خواند و کلامش به جان مردم می‌نشست، به این دلیل بود که مردم صبوری او در داغ فرزند شهیدش<sup>۴</sup> را به چشم دیده بودند. همچنین اگر مردم را به سرنهادن به فرمان‌های الهی دعوت می‌کرد و این دعوت در عمق وجود مردم می‌نشست، بدین سبب بود که خود، عامل فرمان‌های الهی بود؛ نمونه آن رفتاری بود که مردم کاشان در تشییع جنازه فرزند شهیدش از او دیدند.<sup>۵</sup>

به هر روی، سجایای اخلاقی در کنار تفسیر قرآن اخلاق‌محور آیت‌الله نجفی، از او اسوه‌ای مثال‌زدنی ساخت و او را در خاطره تاریخی مردمان این دیار ماندگار کرد. این اندیشه‌ور سترگ ولی گمنام<sup>۶</sup> که فیضان هدایتش سال‌ها هزاران تشنه معرفت را سیراب کرده، در شب جمعه مصادف با شب عرفه در ۲۳ مرداد ۱۳۶۵ به علت بیماری قلبی به سرای جاودان شتافت و در مقبره خانوادگی و در جوار والدش، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی نجفی به خاک سپرده شد. امید است روح آن استاد تفسیر، مشمول شفاعت کسانی شده باشد که خود آرزو کرده بود.<sup>۷</sup>

## ۲. آثار علمی

از آیت‌الله نجفی، هشت کتاب و یازده رساله تاکنون به چاپ رسیده. یک کتاب و یازده رساله در زمان حیاتش و هفت کتاب بعد از وفاتش چاپ و منتشر شده است. که گزارش آن بدین قرار است:

۱. پیرامون شراب: مؤلف، زمان نگارش این کتاب ۷۰ صفحه‌ای را مشخص نکرده است. در این کتاب، آیات و روایاتی با موضوع شراب شرح و تبیین، و آثار دنیوی و اخروی آن بیان شده است. نویسنده در این کتاب، گفته‌هایی از تورات و انجیل را در مذمت شراب آورده است، آنگاه در آثار سوء شراب بر جسم و روان انسان به سخنان محققان علوم پزشکی استناد کرده است. این کتاب، از جمله آثاری است که در زمان حیات مؤلف چاپ شده است.

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او

۲. برداشتی از نماز: نویسنده در چهارم ذی الحجه ۱۳۹۵ ق (۱۳۵۴/۹/۱۶) این کتاب را به پایان برده است. این کتاب در سال ۱۲۵۵ شمسی یعنی در زمان حیات مؤلف چاپ شده و در سال ۱۳۷۶ شمسی، بار دیگر توسط انتشارات محتشم در ۲۲۲ صفحه به چاپ رسیده و از آن زمان تاکنون، پنج بار تجدید چاپ شده است. مؤلف در معرفی این اثر می‌نویسد: «بحثی کوتاه که خسته نکند و ملالت نیاورد پیرامون نماز به معنای واقعی و مفهوم صحیح آن، که موضوعی حیاتی و عامل بزرگ تربیت و سازندگی است، عزت و قدرت می‌دهد، شجاعت در انسان می‌دمد و آگاه‌کننده و تحرک‌بخش است... نه به معنایی که مردم از آن تلقی کرده و برداشت نموده‌اند و آن را یک کار رسمی و معمولی شناخته و هم به عنوان رسم معمول انجامش می‌دهند و قهراً اثر مطلوب و نتیجه‌درستی از آن نمی‌گیرند... من در این بحث مختصر و سخن کوتاه، برداشتی که از نماز کرده‌ام را می‌نگارم، شاید که نماز به معنای صحیح و مفهوم واقعی‌اش روشن گردد...» (برداشتی از نماز، ص ۱۱ و ۲۶)

۳. تفسیر سوره انبیاء.

۴. تفسیر سوره کهف.

۵. تفسیر سوره طه.

این سه کتاب تفسیری، بین سال‌های ۱۳۸۰ ق تا ۱۳۸۲ ق به زبان عربی نوشته شده و پس از ترجمه و تعلیق ماشاءالله جشنی (استادیار دانشگاه کاشان) توسط نشر دعوت به ترتیب، در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است.

۶. تفسیر سوره قدر: آیت‌الله نجفی در سال ۱۳۶۲ طی ۲۵ جلسه، سوره مبارکه قدر را تفسیر کرده است. مباحث ضبط‌شده این جلسه‌ها توسط دفتر تنظیم و نشر آثار آیت‌الله نجفی، از نوار پیاده شده و در سال ۱۳۷۵ انتشارات محتشم آن را در ۱۶۷ صفحه منتشر کرده است.

۷. تفسیر سوره لیل: این کتاب، نتیجه ۱۷ جلسه تفسیر معظم له در سال ۱۳۶۱ است که به همت دفتر تنظیم و نشر... مطالب جلسه‌ها از نوارها پیاده شده و در سال ۱۳۸۷ در ۲۹۱ صفحه توسط نشر دعوت، چاپ و منتشر شده است.

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



۸. تفسیر سورة زلزالت: آیت‌الله نجفی در سال ۱۳۶۲، سورة زلزالت را در ۱۲ جلسه تفسیر کرده است. نوار ضبط‌شده این جلسه‌ها پیاده و در کتابی در ۱۹۵ صفحه در سال ۱۳۸۰ توسط نشر دعوت، منتشر شده است.

اما رساله‌هایی که آیت‌الله نجفی طی سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ نوشته و منتشر کرده، از این قرار است:

۱. **لنگرهای زمین:** نگارش این رساله در بیست و چهارم جمادی الاولی ۱۳۸۸ ق به پایان رسیده است. نگارنده در این رساله، آیاتی از قرآن را در ارتباط با کوه جمع‌آوری کرده است. وی کوشیده در این رساله فلسفه خلقت، جایگاه، و نقش کوه‌ها را از منظر قرآن ترسیم، و تفسیری موضوعی ارائه کند.

۲. **اشتباه عمدی:** این رساله در هشتم جمادی الثانی ۱۳۸۹ ق برابر با سی و یکم مرداد ماه ۱۳۴۸ شمسی نوشته شده است. نویسنده سه دیدگاه از طنطاوی، رشید رضا و سید قطب را از تفاسیر آن‌ها (*الجواهر، المنار و فی ظلال القرآن*) استخراج و نقد کرده است. طنطاوی و رشید رضا، موضوع مهدویت را آن‌گونه که امامیه به آن اعتقاد دارند، مردود دانسته‌اند. سید قطب نیز دیدگاه امامیه را در شأن نزول سورة «هل اتی» رد کرده است. آیت‌الله نجفی در این رساله، این سه نظریه را اشتباه عمدی این سه مفسر بنام اهل سنت دانسته و به نقد آن پرداخته است.

۳. **علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین (ع) در خانه خدا به دنیا آمد:** همان‌گونه که از عنوان رساله پیداست، موضوع این رساله، تبیین و تحلیل تولد امیرالمؤمنین (ع) در کعبه است. این رساله در ۱۷ جمادی الثانی سال ۱۳۸۸ ق نوشته شده است.

۴. **زمان چیست و چگونه می‌گذرد؟:** این رساله که در چهارم شعبان ۱۳۸۸ ق، درباره زمان و ماهیت آن و نسبت زمان با حرکت اجرام آسمانی نوشته شده است. نویسنده، دیدگاه‌های مختلفی از فلاسفه و علمای نجوم را ارائه کرده، و روایاتی را در موضوع زمان آورده و در پایان، به موضوع سعد و نحس بودن آن پرداخته و چنین نتیجه گرفته است: «سعد و نحس زمان همچون سایر علل مادی، مستقیماً و بدون مداخله امر دیگری مؤثر نیست، بلکه هر چه را که علت برای چیز دیگری فرض کنی، باید یک سلسله امور

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او



(به عنوان شرایط) موجود باشد و امور دیگر که مانع از تأثیرند، مفقود، تا علت بتواند اثر خود را روی آن چیز بگذارد و البته این شرایط و موانع در علت‌ها زیاد و متفاوت است. در اصطلاح علمی، این‌گونه علت را مقتضی یا علت ناقصه نامند، سعد و نحس، مقتضی و علت ناقصه است... ائمه معصومین علیهم الصلوٰة و السلام فرموده‌اند در کارهایتان حزم و احتیاط داشته باشید، محافظه‌کاری بنمایید، توکل بر خدا بکنید، تصدق بدهید تا از نحوست زمان، به شما گزند و آسیبی نرسد.» (زمان چیست و چگونه می‌گذرد، ص ۵۴، ۵۵ و ۵۸)

۵. بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت: آیت‌الله نجفی، این نوشتار را در ۹ رجب ۱۳۸۸ ق به پایان برده است. وی پس از ذکر ویژگی‌های دوران جاهلیت و تحلیلی از آداب و رسوم آن، به بعثت رسول خدا(ص) پرداخته و آنگاه، چرایی معجزه بودن قرآن را تبیین کرده است.

۶. سرانجام کافر: تاریخ نگارش این رساله، دوشنبه ۲۳ رجب ۱۳۸۹ ق برابر با چهاردهم مهر ۱۳۴۸ شمسی است. در بخشی از این رساله چنین آمده است: «آیا کفار به دوزخ می‌روند؟ بر فرض که توده آن‌ها به دوزخ بروند، آیا مخترعین و مکتشفین بزرگشان که در اثر اختراع و اکتشاف خود، کمک شایان و غیر قابل وصفی به هم‌نوع خویش کرده‌اند نیز سرانجام به دوزخ خواهند رفت؟ ... علی‌هذه (بعضی گویند) این گروه اهل دوزخ که نیستند هیچ باید اهل عالی‌ترین درجات بهشت باشند، چون عبادت‌کنندگان حقیقی این‌ها نیستند نه آن‌هایی که به قول برخی از این پرسش‌کنندگان، روزانه چند رکعت نماز می‌خوانند و در آدابی به عنوان روزه از خوردن و آشامیدن و اعمال تمایل جنسی و غیرذالک امساک می‌کنند، درحالی که هیچ‌گونه اثر وجودی از آن‌ها دیده نمی‌شود و سرشان به کلاهشان نمی‌ارزد.» (سرانجام کافر، ص ۲، ۴، ۳۸ و ۳۹)

آیت‌الله نجفی با استفاده از آیاتی از قرآن، کفار را اهل دوزخ دانسته و بر اساس آیه ۹۹ سوره توبه فقط دو گروه مستضعف و جاهل قاصر را استثنا کرده و نوشته است: «پس اگر امروز در عصر ما کسی از کفار باشد که واقعاً دعوت پیامبر اسلام(ص) به

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



گوشش نخورده و راستی ندای قرآن را نشنیده باشد و در نتیجه به راه باطل برود، معذور است و کسی هم درباره او بحثی ندارد... از پاره‌ای روایات استفاده می‌شود که خدای حکیم آن دو گروه استثنایی را روز قیامت امتحان و آزمایش می‌کند و پس از آن گروهی که درست و خوب از کار درآمدند، به بهشتشان می‌برد و بقیه را به دوزخ می‌اندازد.» (همان، ص ۳۸ و ۳۹)

نویسنده در پاسخ به این پرسش که آیا اعمال انسانی کفار در تخفیف عذابشان مؤثر است یا نه، می‌نویسد: «گروهی می‌گویند ممکن است قسمتی از اعمال کفار، موجب تخفیف عذاب آن‌ها گردد، چنان‌که از پاره‌ای روایات هم این معنا استفاده می‌شود، بلکه از بعضی روایات برمی‌آید که برخی از کفار از عذاب دوزخ رهایی می‌یابند... آیاتی که ما در ابتدای بحث آوردیم، با لحن شدید و بیانی مؤکد مطلب را به طوری ذکر کرده که قابل تخصیص و تقیید نیست مگر با دلایلی بسیار محکم و صریح.» (همان، ص ۷۹-۸۰)

۷. افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی (۱).

۸. افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی (۲).

۹. افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی (۳): این عنوان مشترک برای سه رساله نسبتاً طولانی است که با شماره‌های ۸ و ۹ و ۱۰ در تاریخ‌های ۴ ذی القعدة ۱۳۸۹ (۲۲ دی ۱۳۴۸)، ۲۱ ذی الحجه ۱۳۸۹ ق (۹ اسفند ۱۳۳۸) و سه شنبه ۲۳ محرم الحرام ۱۳۹۰ ق (۱ فروردین ۱۳۴۹) نوشته شده است. نویسنده در این سه رساله، مجموعه‌ای از اعمال خارق‌العاده عرفا و صوفیه را نقل کرده و آن‌ها را افسانه دانسته و کسانی را که این اعمال خارق‌العاده را کرامت می‌دانند، مردمی ساده‌لوح نامیده است. او می‌نویسد: «گروهی از مردم ساده‌لوح و ناآگاه، این خرافه‌ها، افسانه‌ها و شعبده‌ها را واقعاً کرامت خیال کرده‌اند و علامت بزرگواری صاحبان آن‌ها تلقی نموده و سرانجام به آن‌ها گرویده‌اند و پیرو مرام انحرافیشان شده‌اند.» (افسانه‌ها و کرامت‌های خیالی، شماره ۷، ص ۱۰)

در رساله شماره ۱۰ نیز نوشته است: «غایت و نهایت سیر انسان در مدارج کمال و

سعادت قرب به خدای تعالی و تنعم به نعیم ابدی در جوار رحمت اوست... وگرنه قطار پر زور و قوی را متوقف ساختن، پیش‌گویی و از بعضی اسرار خبر دادن و یا سجاده در هوا انداختن و بر آن نشستن و قدم بر آب نهادن و روی آن راه رفتن (اگر راست باشد) اینها و امثال اینها برای انسان، کمال و بزرگی حساب نمی‌شود.» (همان، شماره ۱۰، ص ۸۴ و ۸۵)

۱۰. صدق، بزرگ‌ترین فضیلت اخلاقی، ادبی و اجتماعی: این رساله در ۲۷ رمضان ۱۳۸۸ (۲۷ آذر ۱۳۴۷) نوشته شده و موضوع آن، «راستگویی و آثار آن» با استفاده از آیات و روایات است.

تمامی این ده رساله در قطع جیبی، چاپ و روی آن «به کوشش هیئت نشر معارف دینی- کاشان» نوشته شده است. این جمله نشان می‌دهد که رساله‌ها توسط خود آیت‌الله نجفی نوشته شده و جمعی در نشر آن، او را یاری کرده‌اند.

۱۱. یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ: این رساله، کوچک‌ترین اثر مکتوب از آیت‌الله نجفی است که تاکنون به چاپ رسیده است. تاریخ نگارش آن ۶ شعبان ۱۳۹۰ ق (۱۶ مهر ۱۳۴۹) و موضوع آن، تولد امیرالمؤمنین (ع) در خانه خداست.

از آیت‌الله نجفی، آثاری دیگری علاوه بر آنچه ذکر شد، به یادگار مانده که تاکنون چاپ نشده است. این آثار عبارت‌اند از:

۱. فضائل ثلاثه: این اثر، زیست‌نامه اباذر، سلمان و مقداد از صحابه عظیم الشان پیامبر (ص) است.

۲. ملتقطات: نوشته‌هایی در موضوعات گونه‌گون است.

۳. قرآن چه کتابی است: در ویژگی‌های قرآن و راز معجزه بودن آن است.

۴. از اینجا و آنجا: این اثر در تبیین اندیشه‌های مکاتب عرفانی و صوفیانه است.

۵. مجموعه‌ای از روایات طبقه‌بندی شده بر اساس الفبا.

۶. تفسیر سوره مریم: که به عربی است.

۷. اسلام، دین راست، آسان و هموار.

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



در کنار این مجموعه، نوارهایی از تفسیر سه حزب آخر جزء سی‌ام قرآن وجود دارد که در حال حاضر، نزد خانواده معظم له نگهداری می‌شود.

گفتنی است که آیت الله نجفی در سه تفسیر سوره طه، انبیاء و کهف، بیاناتی دارند که نشان می‌دهد معظم له تفسیر سوره نحل و اعراف را نوشته‌اند (ر.ک: تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۹ و ۸۰؛ تفسیر سوره طه، ص ۱۸۶) اما متأسفانه این دو تفسیر موجود نیست. آیت الله نجفی در خلال تفاسیرش وعده می‌دهد مباحثی را در تفسیر سوره صافات و سوره ص بیان کند. (ر.ک: تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۷۶ و ۱۹۱) این جمله نیز نشان می‌دهد که هدف او، نوشتن تفسیری کامل بر قرآن بوده است، ولی یا موفق به نوشتن تفسیر کل قرآن نشده و یا اینکه اگر موفق شده باشد، فعلاً از تفسیر ایشان اطلاعی در دست نیست.<sup>۸</sup>

### ۳. روش تفسیری آیت الله نجفی

روش تفسیری، مستند یا مستنداتی است که مفسر بر پایه آن، کلامی را که خود ساخته و پرداخته، به عنوان تفسیر کلام خداوند قلمداد می‌کند. (ر.ک: مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۱۵) بر پایه این تعریف، روش تفسیری آیت الله نجفی را در تفسیر مرور می‌کنیم.

#### ۱-۳. تفسیر قرآن با قرآن

استفاده از برخی آیات برای فهم آیات دیگر و یا بهره‌گیری از بخشی از یک آیه برای فهم بخش دیگر از همان آیه که در اصطلاح علوم تفسیری، به «تفسیر قرآن با قرآن» مشهور است، از اطمینان‌بخش‌ترین روش شناخته‌شده تلقی می‌شود. این روشی است که از روایات معصومین (ع) استنباط می‌گردد. (اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، ص ۱۰۵) گرچه پیش‌فرض این روش، استغنای قرآن از غیر آن است (ر.ک: مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۶۱)، هرگز نمی‌توان معنای تمامی آیات و الفاظ قرآن و جزئیات احکام را بدون مراجعه به سنت از خود قرآن به دست آورد. هرچند کسانی

همچون ابوزید دمنه‌پوری در کتاب *الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن و سید آیت الله نجفی با مروری بر زندگی و آثار او*

ابوالفضل برقی در تابیسی از قرآن، به کفایت قرآن برای فهم آن تأکید ورزیده و به بسندگی قرآن روی آورده‌اند. (مکاتب تفسیری، ۱۲۸/۲ نقل از تابیسی از قرآن، ۲۶۷/۲، ۳۲۹ و ۳۳۰؛ و نقل از التفسیر والمفسرون، ۵۳۳/۲)

آیت‌الله نجفی در تفسیر خود برای رسیدن به مراد پاره‌ای از آیات، از خود قرآن به عنوان منبع استفاده کرده است؛ نمونه‌های این روش چنین است:

۱-۱-۳. مفسر در تفسیر آیه «وَوَضَعَ الْكِتَابُ فِتْرَةَ الْمُجْرِمِينَ» (کهف / ۴۹) پس از ذکر دیدگاه‌های مفسران در معنای واژه «الکتاب» چنین آورده است: [«اقول ظاهر اللفظ يدل على ان هنا كتاباً يوضع في الموقف وفيه اعمال العباد واللام في الكتاب الجنس فلا ينافيه تعدد وان لكل امة كتاباً و مما يستأنس به لما ذكرنا قوله تعالى في: مي گویم ظاهر لفظ دلالت می‌کند که مراد از کتاب در اینجا، نامه اعمال است که در قیامت ظاهر می‌گردد و لام در الکتاب، لام جنس است؛ بنابراین هر چند الکتاب مفرد است، اما با متعدد بودن آن منافاتی ندارد، در قیامت هر امتی کتاب ویژه خود را دارد. آیه ۷۰ زمر: "وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ" به آنچه گفتیم اشاره دارد و سیاق آن نشان می‌دهد که کتاب در اینجا غیر از نامه اعمال بندگان است که در قیامت به دست چپ یا دست راست آن‌ها داده می‌شود] فان لسياق الآية يدل على ان الكتاب غير ما يوتي بيد العباد اما باليمن او بالشمال.» (تفسیر سوره كهف، ص ۱۰۳)

بنابراین، ایشان «الکتاب» را در آیه ۴۹ سوره كهف با توجه به آیه ۶۹ سوره زمر، به معنای کتاب امت‌ها تفسیر کرده است.

۲-۱-۳. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه /

۲۸-۲۵)

وی در تبیین این آیه می‌نویسد: «شرح الصدر عبارة عن بسطه و توسيعه بنور الهی و استعداد ربانی حتی یری صاحبه الحق و یمیز به بینه و بین الباطل فیقبل الحق و يعمل به من غیر ضجر به و ضیق قال تعالی و تقدس فی الزمر: شرح صدر، عبارت است از بسط و گسترش دادن سینه آدمی با نور الهی و آماده‌سازی آن توسط خداوند به طوری که

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



آدمی حق را درک کند و حق و باطل را از یکدیگر باز شناسد و حق را بپذیرد و بدون اکراه به آن عمل کند بدون اینکه نسبت به آن دلنگی نشان دهد، همان گونه که خداوند تعالی در سوره زمر می‌فرماید: "أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ..." (آیه ۲۳).» (تفسیر سوره طه، ص ۱۰۴، ۱۰۶ و ۱۰۷)

بنابراین، شرح صدر در نگاه مفسر با توجه به آیه ۲۳ سوره زمر، به استعداد پذیرش حق و قوه فهم حق از باطل و عمل به لوازم آن، تفسیر شده است.

۳-۱-۳. «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَهَبْنَا لَهُ وَيُحْيِي وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَنا رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ.» (انبیاء/۹۰)

«فانها كانت عاقراً كما حكاها الله تعالى عن زكريا في سورة مريم: همسر زكريا نازا بود همان طور که خداوند از قول زكريا در آیه "قال رب انى يكون لى غلام و كانت امرأتى عاقراً و قد بلغت من الكبر عتياً" آورده است، خداوند همسر زكريا را برای آوردن فرزند اصلاح فرمود و نازایی او را رفع کرد و رحمش را برای پذیرش نطفه آماده کرد تا بتواند با اذن الهی آن را حفظ کرده، پرورش دهد: فاصلحها الله سبحانه و تعالى بان جعلها ولوداً و صبر رحمها مستعدة لان يقبل النطفة يحفظها و يربيهما بجوامعها و باذن الله تبارك و تعالى.» (تفسیر سوره انبياء، ص ۲۰۲)

مفسر، عبارت «أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ» را به معنای اصلاح رحم برای پذیرش نطفه و ایجاد صلاحیت رحم برای فرزندان شدن تفسیر کرده است یعنی آن را با توجه به آیه ۹۰ سوره انبياء به معنای خارج شدن از نازایی گرفته است.

۳-۱-۴. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال / ۷ و ۸)

ایشان در تفسیر این آیه چنین می‌گویند: «کسی که عمل خیری انجام دهد که به اندازه ذره یا ذره باشد، آن را می‌بیند به شرطی که این عمل تا قیامت برای آن شخص بماند و شخص آن را ببیند؛ اما ممکن است اشخاص عمل خیری انجام دهند و در همین دنیا عمل خیرشان حبط و باطل شود و از میان برود و ناچیز شود، در اینجا دیگر چیزی نیست که فردای قیامت آن را ببیند. همچنین کسی که عمل شری انجام دهد، هر چند کم باشد، آن را می‌بیند، اما در صورتی که آن عمل بد کم مانده باشد؛ اما اگر کسی عمل

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او

بدی انجام بدهد و آن عمل در همین جا از بین رفته و نابود شده باشد، دیگر خیری نیست که فردای قیامت آن را ببیند... آن آیه‌ای که می‌گوید: "أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ" یعنی عمل داشته، ولی عمل او حبط شده و دیگر حکمی ندارد چون اثری ندارد، آنگاه "فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ" دیگر شامل او نمی‌شود. همچنین کسی که از یک عملی، توبه نصوح و خالصانه کرد، این گناه گرچه گناهی بوده که در خارج محقق شده، اما وقتی توبه آن را از بین برد، دیگر اثر ندارد و "مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ" شامل آن نمی‌شود. این مطلب از باب حکومت است که مسئله اصولی است و در اصول فقه از آن بحث می‌شود که ممکن است دو آیه یا روایت باشد که بعضی حاکم و بعضی محکوم باشند.»

(تفسیر سوره زلزال، ص ۱۵۷-۱۵۹ و نیز ر.ک: ص ۱۰۲-۱۰۶)

۳-۱-۵. مفسر در تفسیر آیه «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا» (انبیاء / ۳۲) می‌گوید مراد از محفوظ بودن آسمان، حفظ آن در حال حاضر از خرابی و انحلالی است که به هنگام فرا رسیدن قیامت برای آن رخ خواهد داد، زیرا بر پایه آیه «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ» (همان / ۱۰۴) خداوند در آن زمان، آسمان را از حفاظت خود خارج می‌کند و در هم می‌ریزد؛ بنابراین، مفاد آیه ۳۲ سوره انبیاء، مفاد آیه «وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (حج / ۶۵) و آیه «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا» (فاطر / ۴۱) است. آیت‌الله نجفی از قول کسانی که محفوظ بودن را به معنای حفظ آسمان از شیاطین معنی کرده‌اند، با واژه «قیل» یاد کرده یعنی دیدگاه آنان را نپذیرفته است. (ر.ک: تفسیر سوره انبیاء، ص ۵۷ و ۵۸؛ نیز ر.ک: ص ۱۳۲، ۱۶۱، ۱۷۰ و ۱۸۹؛ نمونه‌های دیگر تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر سوره طه، ص ۲۴، ۲۵، ۲۱۰، ۲۱۴ و ۱۹۴ قابل مطالعه است.)

مفسر کاشانی، در مواردی دیدگاه‌های مفسران را با استفاده از قرآن نقد کرده است. فخر رازی در ذیل آیه «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿۱۴﴾ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي ﴿۱۳﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه / ۱۳ و ۱۴) می‌گوید: جمله «أَنَا اخْتَرْتُكَ» نشان می‌دهد که مقام نبوت با استحقاق و شایستگی حاصل نمی‌شود، چون «أَنَا اخْتَرْتُكَ» دلالت می‌کند که خداوند از ابتدا این مقام را برای او انتخاب کرده است.

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
بایز و زمستان ۱۳۹۱

آیت‌الله نجفی در ردّ این سخن چنین آورده است: [«قول: لیس اختیاره تعالی ایّاه و سائر الرسل و کذلک خلفائهم و اوصیائهم بلا استحقاق منهم فی ذاتهم بمعنی أنّهم استعدّوا لأن یشترهم الله... می‌گوییم: خداوند او (ابراهیم) و انبیای الهی و اوصیا را بدون استحقاق برنگزیده است به این معنا که ایشان را قبل از پذیرش رسالت آماده کرده است»]. او برای نظر خود به آیه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/ ۲۴) و آیه «وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده/ ۲۴) و فرازهایی از دعای ندبه استناد کرده است. (تفسیر سوره طه، ص ۷۲، نیز ر.ک: ص ۶۸ و ۱۰۷؛ تفسیر سوره کهف، ص ۱۳، ۱۳۰، ۱۳۲ و ۱۱۴؛ تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۴۷-۱۴۹ و ۱۸۹)

تفسیر گران‌سنگ *المیزان* نیز از نقادی این مفسّر محقق و مدقق دور نمانده است. او در نامه‌ای به مؤلف گرانقدر تفسیر *المیزان*، اشکالی را در مورد تفسیر معظم له مطرح می‌کند، اما اینکه آیت‌الله نجفی به چه بخشی از تفسیر *المیزان* اشکال کرده، بر ما معلوم نیست.<sup>۹</sup>

## ۲-۳. تفسیر قرآن با سنت

قرآن، تبیین خود را به سنت و عترت ارجاع می‌دهد: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل / ۴۴)، «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳)، «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه / ۲)؛ بنابراین استفاده از سنت برای فهم قرآن، یاری جستن از یک منطق وحی برای توضیح منطق دیگر وحی است. (مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۸۴) البته کاربست سنت برای فهم قرآن در گرو مقدماتی است آشنایی با زبان حدیث، فهم مطلق و مقید، عام و خاص، اجمال و مبین و... از جمله این مقدمات است. (همان، ص ۴۰۶) قرآن‌پژوهان در نسبت بین قرآن و سنت، چگونگی بهره بردن از سنت برای فهم قرآن و روش نقد درونی حدیث و نیز در روش عرضه حدیث بر قرآن بر یک نظر نیستند، ولی نادرند کسانی که نقش سنت را در

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او



فهم قرآن مطلقاً نفی می‌کنند. (مکاتب تفسیری، ۱۳۰/۲)

در تفسیر آیت‌الله نجفی، فراوانی روایات برای تفسیر قرآن پرشمار است، به طوری که وی گاهی برای تفسیر یک آیه، ۱۰ روایت نقل می‌کند. (ر.ک: تفسیر سوره طه، ص ۵۵) او در انتخاب روایات و نظریات تفسیری، از منابع زیادی بهره گرفته، ولی به منابع<sup>۱۰</sup> امامیه بسنده نکرده است. (همان، ص ۲۹، ۳۰، ۳۵ و ۱۹۶؛ ر.ک: تفسیر سوره کهف، ص ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۶۲، ۲۳، ۶۹، ۷۰ و ۲۷۲؛ تفسیر سوره لیل، ص ۹۰-۱۰۵) ردیابی روایات در تفسیر او نشان می‌دهد که استفاده او از منبع سنت برای فهم آیات، به مراتب نسبت به منابع دیگر، بیشتر است تا آنجا که گاهی ذیل آیات، فقط به آوردن روایت بسنده می‌کند (تفسیر سوره کهف، ص ۱۷۵ و ۱۷۶) و البته گاهی هم روایات را به عنوان تأیید نظر تفسیری خود می‌آورد. (تفسیر سوره انبیاء، ص ۳۴)

به دو نمونه از کاربرد روایت در تفسیر آیت‌الله نجفی اکتفا می‌کنیم:

۳-۲-۱. «وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ» (انبیاء/ ۷۲)

«(و وهبنا له) اعطیناه (اسحق) من ساره بعد مدة طویلة من اقامته بالشام و بعد ما اعطیناه اسماعیل من هاجر (و یعقوب نافلة) عطیة او ولد ولد (و کلاً) من ابراهیم و اسحق و یعقوب (جعلنا صالحین) وفقناهم للصلاح و ما ذکرناه- من کون اسماعیل کان ولد ابراهیم قبل اسحق- مستفاد من ظاهر الايات و الروایات، قال تعالی حکایة لقول ابراهیم- فی سورة ابراهیم: ما اسحق را از ساره به ابراهیم عطا کردیم بعد از آنکه مدت زیادی در منطقه شام اقامت کرد، و بعد از آنکه اسماعیل را از هاجر به او بخشیدیم و همه را (ابراهیم و اسحق و یعقوب) از صالحان قرار داریم و آنها را به صالح بودن موفق گرداندیم. اینکه گفتیم اسماعیل قبل از اسحق به ابراهیم داده شد از ظاهر آیات و روایات استفاده می‌شود، خداوند در سوره ابراهیم فرموده است: "الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ" (ابراهیم/ ۳۹) و روی علی ابن ابراهیم باسناده عن هشام عن ابی عبدالله ع قال ان ابراهیم(ع) کان نازلاً فی بادیه الشام، فلما ولد له من هاجر اسمعيل اغتمت سارة من ذلك عمماً شديداً لانه لم یکن له منها ولدٌ و علی بن ابراهیم از هشام و او از خدا امام صادق(ع) روایت کرده

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱

است که فرمودند ابراهیم(ع) در منطقه شام مستقر شد، وقتی اسماعیل از هاجر متولد شد، ساره به غم شدید دچار گردید، زیرا او فرزندی نداشت.» [تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۲۰]

۲-۲-۳. «وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا \* يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزال / ۳ و ۴)

روایاتی داریم که از آن استفاده می شود که مراد از انسان در آیه، علی بن ابیطالب سلام الله علیه است؛ بنابراین، عبارت «ما لها» از روی تعجب و بهت و تحیر و سرزدگی نیست، چون گوینده آن علی(ع) است، پس معنای دیگری دارد... علی ابن ابیطالب می فرماید: ما لها زمین چه می خواهد بگوید؟ در این هنگام، زمین خبرهای خود را برای انسان که علی ابن ابیطالب سلام الله علیه است، بازگو می کند... (ر.ک: تفسیر سوره زلزال، ص ۷۷ و ۷۸ - ۷۹)

آیت الله نجفی در ادامه به نقل از تفسیر فخر رازی می گوید: «وقتی علی(ع) اموال بیت المال را تقسیم کرد دو رکعت نماز به جا آورد و گفت: "تشهدون انی قد ملأتک بحق و فرغتک بحق" این دلیلی است بر اینکه در آن رور زمین همچنان که اخبار را برای علی(ع) و ائمه معصومین بیان می کند، اخبار خود علی بن ابیطالب را هم می گوید.» (همان جا)

در میان روایات تفسیری، روایاتی به چشم می خورد که گویا از آیات قرآن غیر از آنچه لفظ بر آن دلالت دارد، اراده شده، ولی با توجه به قاعده «جری»، قرآن همچون ماه و مهر و شب و روز در جریان است. (علامه طباطبایی و حدیث، ص ۱۷۹) آیت الله نجفی نیز به این نکته مهم توجه داشته است. وی پس از نقل پاره ای از روایات متذکر می شود که روایات، مصداقی از مصداقی آیه را بیان می کند و هرگز تفسیر آیه، محدود و محصور به مصداق بیان نمی شود؛ برای نمونه، ذیل آیه «وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى» (طه/ ۷) این روایت را می آورد: «و فيه عن الحسن قال السر ما أسر الرجل إلى غيره و اخفی من ذلك ما أسر فی نفسه» و سپس چنین می گوید: «و فيه من قبیل ما نقلناه روایات أخر ولا يخفی ان ما ذکر فی هذه الروایات کلها من مصداق ما ذکرناه فی بیان الآیة.» (همان، ص ۴۰، نیز ر.ک: ص ۱۴۳ و ۲۴۷؛ تفسیر سوره لیل، ص ۸۴، ۹۶ و ۹۷؛

روش شناسی تفسیر  
آیت الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او

تفسیر سوره کهف، ص ۲۴۲)

آیت‌الله نجفی در مواردی به نقد سندی روایت می‌پردازد (ر.ک: تفسیر سوره کهف، ص ۲۲۴ و ۲۵۵) و به وفور به نقد درونی و متنی روایات روی می‌آورد یعنی روایاتی را به سبب تعارض آن‌ها با قرآن رد می‌کند (تفسیر سوره طه، ص ۶۸، ۲۲۴ و ۲۳۰؛ تفسیر سوره کهف، ص ۳۳ و ۵۹) و یا برخی روایات را از آن نظر که از روی تقیه صادر شده‌اند، مردود می‌شمرد (تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۴۱ و ۱۴۸) و گاهی از روایتی به دلیل تعارض آن با یک گزارش قطعی تاریخی عبور می‌کند. (تفسیر سوره کهف، ص ۳۴؛ تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۰۳) او در مواجهه با روایاتی که به ظاهر نسبت به یکدیگر تعارض دارند، تلاش می‌کند با جمع بین آن‌ها تعارض ظاهری را رفع کند (تفسیر سوره لیل، ص ۹۸ و ۹۹؛ تفسیر سوره انبیاء، ص ۳۴) ولی در پاره‌ای از موارد، به صراحت برخی روایات را جعلی می‌خواند. (تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۴۸ و ۲۲۱)

مفسر گرانقدر در خلال مباحث تفسیری به شرح و تبیین روایات نیز پرداخته است؛ برای نمونه آورده است:

«فقال علی: اما قوله عزوجل فی آدم "وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى" فان الله عزوجل خلق حجة فی ارضه و خلیفته فی بلاده [لم یخلقه للجنة و كانت المعصية من آدم فی الجنة فلما اهبط الی الارض و جعله حجة و خلیفة عصمة بقوله عزوجل ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران ان علی العالمین.

أقول: استفاد من الروایة ان آدم لابد وأن یرج من الجنة فانه خلق لأن یركون حجة و خلیفة لله تعالی فی الأرض وان النهی الموجه الیه لیس نهیا تکلیفياً مولویاً بل كان نهياً ارشادياً فان النهی كان فی الجنة ولا یركون فیها الأمر والنهی المولیّان وان المخالفة والعصیان فی الجنة لا ینافی العصمة المعتبرة فی الانبیاء كما هو ظاهر الروایة و لعله استفاد منها ان النبی قبل جعله حجة و نبیاً لا یرکن أن یركون معصوماً: امام رضا(ع) درباره سخن خداوند در ارتباط با حضرت آدم(ع) "وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى" فرمود: خداوند حجت و خلیفه خود را در زمین برای بهشت خلق نکرد و عصیان آدم(ع) در بهشت بود. هنگامی که به زمین فرود آمد، خداوند او را حجت و خلیفه و معصوم قرار داد، همان‌گونه که

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱

خداوند می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ" می‌گوییم: از روایت استفاده می‌شود که حضرت آدم باید از بهشت خارج می‌شد، زیرا خداوند او را برای رحمت و خلیفه بودن در زمین خلق کرده بود و نهی او از خوردن شجره ممنوعه، نهی تکلیفی و مولوی نبود، بلکه نهی ارشادی بود. این نهی ارشادی در بهشت صورت گرفت، زیرا در بهشت امر و نهی مولوی وجود ندارد و مخالفت در بهشت با عصمت معتبر در انبیا منافات ندارد همان‌گونه که از ظاهر روایت برمی‌آید و چه بسا از این روایت استفاده شود که لازم نیست پیامبر قبل از پیامبری معصوم باشد. (تفسیر سوره طه، ص ۲۳۹، نیز ص ۳۶، ۴۷، ۶۶ و ۷۵؛ ر.ک: تفسیر سوره لیل، ص ۱۶، ۱۰۷، ۱۳۰ و ۱۹۹)

در جای دیگر نیز چنین می‌گوید:

ارتکاب گناه صغیره برای انبیا قبل از رسالت، امری ممکن است، ولی هرگز گناه کبیره از آن‌ها صادر نمی‌شود و محال است اصرار بر گناه صغیره داشته باشند. (تفسیر سوره طه، ص ۲۴۰) آیت‌الله نجفی، عرش را موجودی عینی و خارجی می‌داند که عده‌ای از فرشتگان آن را حمل می‌کنند (همان، ص ۲۷) و نیز به خواب ملائکه قائل است، ولی خواب ملائکه را از روی شهوت و هوای نفس نمی‌داند و می‌گوید اینکه در روایات آمده: «انفاسهم تسبیح» یعنی خواب آن‌ها نیز عبادت است.

مفسر کاشانی با استفاده از روایات به نقد دیدگاه‌های کلامی نیز پرداخته است. وی می‌گوید: در نزول قرآن به بیت المعمور گفته‌اند مراد از بیت المعمور، قلب رسول خداست؛ قلب او خانه آباد خدا و محل نزول قرآن است و جبرئیل آیات را از قلب گرفته برای او قرائت می‌کرد یعنی از باطن او گرفته بر ظاهر او قرائت می‌کرد. وی در ردّ این دیدگاه می‌گوید: ظاهراً نمی‌توان به این تأویل تکیه کرد نه اینکه قلب حضرت کوچک باشد بلکه به خاطر اینکه روایت با کمال صراحت می‌گوید قرآن در شب قدر از لوح محفوظ به بیت المعمور نازل شده است و در این مورد ابداً از قلب پیامبر سخنی ندارد. (تفسیر سوره قدر، ص ۶۷ و ۶۸؛ نیز ر.ک: تفسیر سوره طه، ص ۲۵۴؛ تفسیر سوره انبیاء، ص ۵۹، ۷۰، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۵۲ و ۱۶۰)

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او

### ۳-۳. تفسیر قرآن با دانسته‌های ادبی

ادبیات به معنای عام آن از قواعد تفسیری است و آن را از مهم‌ترین بخش اصول تفسیر دانسته‌اند. (روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۶۳) بر پایه حکمت الهی، قرآن به زبان مخاطب اولیه آن یعنی زبان عربی نازل شده است. بی شک رسیدن به مراد این کتاب، دانستن علوم و قواعد ادبیات عرب، اعم از علم لغت، صرف، نحو، و علوم بلاغی ضروری است. آیت‌الله نجفی، در ضمن مباحث تفسیری خود، بارها به اختلاف قرائت پاره‌ای از واژگان قرآن اشاره کرده است. (تفسیر سوره طه، ص ۸۰، ۲۰۱، ۲۰۲ و ۲۰۵؛ تفسیر سوره کهف، ص ۶۶؛ تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۷۷ و ۲۱۵)

در موارد پر شماری، از ادبیات استفاده کرده و تفسیر خود را سامان داده است؛ نمونه‌ها از این قرار است:

۳-۳-۱. «ذَلِكْ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا» (کهف/ ۱۰۶)

[«ذَلِكْ خبر مبتداء محذوف ای: شأنهم و امرهم ذالک الذی ذکرنا من الکفر و ضلال السعی و الحسبان المذكور، او هو مبتدا والخبر محذوف والتقدير علی عکس ما ذکرنا و النتيجة واحدة: ذالک خبر برای مبتدای محذوف است که معنای آن چنین می‌شود: آن‌ها که کافر شدند محاسبه و تلاششان بیهوده است و یا ذالک مبتدا برای خبر محذوف است که در این صورت، معنا عکس معنای اول است ولی در هر دو صورت نتیجه یکسان است»]. (تفسیر سوره کهف، ص ۲۴۸؛ ر.ک: ص ۴۹، ۵۵، ۶۷ و ۱۳۷)

۳-۳-۲. «وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ۖ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ۖ أَنْ أَقْدِفِيهِ فِي التَّابُوتِ

فَأَقْدِفِيهِ فِي الْيَمِّ» (طه ۳۷-۳۹)

[«ان تفسیریة او هو وصلته مفعول لا وحيناً ان جعلنا ما فی ما یوحى مصدریة وان جعلناها موصولة مفعولا لا وحيناً فان وصلة بدل أو عطف بیان لها...: ان" ، تفسیریة است و یا ان است و اسم و خبر آن مفعول به کلمة او حینا است و اگر "ما" در (فی ما او حینا) را مصدریة و یا موصولة بگیریم، مفعول به برای او حینا می‌شود و ان وصله آن بدل یا عطف بیان است»]. (تفسیر سوره طه، ص ۱۲۳؛ نیز ر.ک: ۲۲، ۳۸، ۷۳، ۸۰، ۱۰۴، ۱۲۸، ۱۶۲، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷ و ۲۱۱)

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
بایز و زمستان ۱۳۹۱

۳-۳-۳. «وَأَيُّوبَ إِذِ نَادَىٰ» (انبیاء / ۸۳)

[«و ایوب منصوب بمقدر كظائرة و هی كثیرة فی القرآن (اذ نادای ربّه) ادعاه (انّی مسنی الضرّ) الضرّ بالفتح و الضمّ، و كذا الضرّ ضد النفع، الشدة و الضيق و سوء و سوء الحال و النقصان یدخل فی الشیء) و...: ایوب منصوب به عاملی مقدر است و این گونه كلمات در قرآن زیاد است. (اذ نادى ربه) ایوب او را خواند (انّی مسنی الضرّ)، واژه الضر به فتحه و به ضمّه و كلمه ضَرَر ضد نفع و به معنای سختی و گرفتاری است که بر هر چیزی وارد می شود»]. (تفسیر سورة انبیاء، ص ۱۷۷؛ ر.ک: ص ۶۲، ۲۱۴، ۱۲۸ و ۱۵۵؛ تفسیر سورة زلزال، ص ۱۰۳)

۳-۳-۴. آیت الله نجفی در پاره‌ای موارد با استفاده از سیاق به مکی بودن آیه حکم کرده است، در حالی که روایت شأن نزول، دلالت بر مدنی بودن آیه دارد. وی در ذیل آیه «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا» (طه / ۱۳۱) می گوید: بمقتضی ما ذکرنا من شأن نزوله یكون مدنیة ولكنّه ظاهر ان سیاق الآيات قبلها و بعدها يدلّ علی أنّها نزلت بمکة...» (تفسیر سورة طه، ص ۲۵۹)

۳-۳-۵. مفسر گاهی با استفاده از مرجع ضمیر، نظر خود را در تفسیر آیه بیان می کند. در آیه «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا» \* يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» (طه / ۱۰۹ و ۱۱۰) می گوید: [«وقيل ضمير به يعود الى ما في قوله تعالى يعلم ما بين أيديهم و ما خلفهم ثم اختلفوا في انه يعود الى كليهما أو الى احدهما المعين أو احدهما لا على التعيين و هو كما ترى بعيد»] و قبل از این عبارتها می فرماید: «وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» أى لا يحيط علمهم به تعالى و بافعاله و صفاته... گفته شده ضمير در كلمه «به» که در عبارت «لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» آمده است به كلمه «ما» در عبارت «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ» برمی گردد و در اینکه این ضمير به هر دو كلمه «ما» برمی گردد یا به یکی از آنها محل اختلاف است و البته می دانی که این امر بعیدی است. آیت الله نجفی قبل از این نظر در تفسیر «لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» می گوید دانش مردم به ذات باری تعالی و افعال و صفات او احاطه ندارد»]. (تفسیر سورة طه، ص ۲۱۶؛ نیز ر.ک: ص ۱۶۸، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۱ و ۲۶۰)

روش شناسی تفسیر  
آیت الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او

### ۴-۳. تفسیر قرآن با احکام عقلی

مراد از تفسیر عقلی، تفسیری است که مفسر با تکیه بر قواعد عقلانی، آیه‌ای را تبیین می‌کند. این قواعد، مجموعه اصول کلی هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و استلزامات بی‌واسطه آن‌هاست. (علی‌اکبر بابایی و دیگران، ص ۳۱۱)

نمونه‌های این نوع تفسیر در کلام مفسر کاشانی از این قرار است:

۳-۴-۱. «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ» [«کنایه عن احاطة سبحانه بهم و بافعالهم...: کنایه از احاطه خداوند سبحان به آن‌ها و افعال آن‌هاست»]. (تفسیر سوره انبیاء، ص ۴۵) مفسر از «ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ» معنای کنایه‌ای به دست می‌دهد یعنی بر قاعده عقلی نامحدود بودن باری تعالی تکیه می‌کند.

۳-۴-۲. «وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ» [«... العنودية عندية شرف و رفعة لا عندية المكان: عندیت در حقیقت عندیت شرفی و مکانتی است نه عندیت مکانی»]. (تفسیر سوره انبیاء، ص ۳۱؛ نیز ر.ک: ص ۶، ۳۸ و ۱۳۳) از آنجا که به حکم عقل، مکان برای خداوند معنا ندارد، مفسر، «عنده» را به عندیت شرف تفسیر کرده است.

### ۵-۳. تفسیر اجتهادی

در تفسیر آیت‌الله نجفی، مواردی وجود دارد که آیه‌ای بدون آوردن آیه یا روایت تفسیر شده است و این بدان معناست که مفسر، برداشت و دریافت خود را بدون استناد به آیه و روایت بیان کرده است؛ نمونه زیر را مرور می‌کنیم.

۳-۵-۱. «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُون» (انبیاء/۳۷)

[«والحق ما ذكرناه اولاً ان المراد (نوع انسانی)... و هذا التعبير يعني خلق الانسان من عجل تعبير شائع في العرف، يقولون لمن صدر منه الكرم كثيرا انه خلق من الكرم و لمن يفعل الشر، كثيراً انه خلق من الشر الى غير ذلك من الموارد: حق همان است که بیان کردم اولاً مراد از الانسان در آیه، نوع انسانی است و این تعبیر شایعی در عرف مردم است مثل اینکه مردم درباره کسی که بخشش زیاد دارد، می‌گویند او از کرم خلق شده

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱

است، و کسی که مرتکب شرّ زیاد می‌شود می‌گویند از شرّ آفریده شده و مثال‌های دیگری در این باب وجود دارد»]. (تفسیر سوره انبیاء، ص ۷۱)

۲-۵-۳. «فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیاء / ۵۸)

[«... کبره اما من حیث الحجم و إما من حیث القدر: مراد از بزرگی، یا بزرگی از نظر

جسمانی است و یا از نظر جایگاه و منزلت»]. (تفسیر سوره انبیاء، ص ۹۰)

۳-۵-۳. «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ

عَالِمِينَ» (انبیاء/ ۸۱)

قرآن در آیه ۳۶ سوره ص می‌فرماید: «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً» مرحوم آیت‌الله نجفی در تفاوت دو عبارت می‌گوید: [«فجعل العصف هنا وصفاً للريح و في سورة ص جعل الرّخوه وصفاً للجريان بامر ... و العجب ان هذا الوجه مع ظهوره و دلالة اللفظ عليه خفي على المفسرين و لم يتفطنوا به: عصف در این آیه، صفت باد است و در سوره ص در وصف باد از کلمه رخاء استفاده شده تا نشان دهد باد به امر حضرت سلیمان جریان می‌یافت. عجیب است که این حقیقت در عین حال که واضح است و لفظ بر آن دلالت می‌کند، از نظر مفسران دور مانده و در آن دقت نکرده‌اند»]. (تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۶۰ و ۱۶۱)

## نتیجه‌گیری

آیت‌الله حاج شیخ علی آقا نجفی کاشانی، از فارغ التحصیلان و مدرّسان حوزه‌های علمیه نجف، قم و از جمله علمای معاصر است که در غنا بخشیدن به تفسیر قرآن، به‌ویژه در منطقه کاشان، نقش مهمی ایفا کرده است. وی در آشنا کردن نسل معاصر با قرآن، بر همه اقرا خود در این منطقه سبقت گرفته است. رویکرد تفسیری او در بیان شفاهی، اغلب واعظانه و اخلاق‌محور است، ولی تفاسیری که خود معظم له نوشته است، رویکردی علمی‌تر دارد و البته این تفاوت در رویکرد به تفاوت مخاطبان برمی‌گردد. مخاطبان تفسیر شفاهی وی، عموم مردم و مخاطبان تفسیر کتبی ایشان، پژوهشگران حوزه قرآن هستند.

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او



مفسر کاشانی، از روایات پرشماری در تفسیر مکتوب خود استفاده کرده است. از برخی به عنوان مؤید کلام خود و از برخی دیگر برای تبیین آیات بهره گرفته است. وی روایات را اغلب از منابع روایی مشهور امامیه و یا از تفاسیر شیعی نقل کرده و از تفاسیر عامه به ویژه الدر المنثور سیوطی و کشاف زمخشری نیز روایات پر شماری آورده است. آیت الله نجفی گاهی با نقد متنی روایات به رد آنها پرداخته و زمانی تلاش کرده، بین روایات متعارض جمع و در مواردی به تحلیل و توضیح آنها مبادرت کرده است.

این مفسر، توانایی خود را بر ادبیات عرب در تفاسیر آیات و تحلیل روایات به خوبی نشان داده است و در جای جای تفسیر خود با کالبدشکافی واژه‌ها و تحلیل نحوی عبارات و الفاظ، آن را سامان داده است. وی گاهی با آوردن هشت دیدگاه تفسیری و نقد هر یک، تفسیر مختار را بیان و قدرت نقادی خویش را نمایانده است.

استفاده از قرآن در فهم قرآن در تفسیر آیت الله نجفی، جایگاه ویژه‌ای دارد. وی در رسیدن به فهم آیات به قواعد عقلی توجهی ویژه داشته، به همین دلیل تفسیر آیت الله از روایی بودن محض خارج شده است.

بر پایه آنچه بیان شد، مبانی تفسیری این مفسر متبع را می‌توان بدین شرح بیان کرد:  
۱. قرآن برای همگان به شرط رعایت ضوابط فهم و قواعد عقلایی محاوره قابل فهم است.

۲. ظاهر قرآن حجت است.

۳. فهم برخی آیات جز با روایات اهل بیت (ع) قابل فهم نیست.

۴. عقل می‌تواند در دو بخش یکی در تحلیل منابع و دیگری در بیان قواعد بدیهی به فهم قرآن کمک کند.

۵. کلام ادیبان و مفسران به شرط عدم تنافی با روایات، برای فهم قرآن حجیت دارد.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. آیت‌الله حاج شیخ مهدی نجفی، در رمضان ۱۲۹۳ ق در کاشان به دنیا آمد. وی پس از گذراندن مقدمات و سطح در کاشان و اصفهان و قزوین، رهسپار نجف اشرف شد و در درس مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی، صاحب کتاب *کفایة الاصول* حضور یافت. وی پس از چهار سال اقامت در نجف به کاشان آمد و پس از مدتی برای دومین بار به نجف اشرف مشرف شد. آیت‌الله حاج شیخ مهدی نجفی، این بار نزد آیت‌الله شریعت اصفهانی تلمذ کرد و پس از ۷ سال اقامت در نجف، این بار به دعوت مردم کاشان به زادگاه خود مراجعت کرد و در محله محتشم به اقامه نماز جماعت و ارشاد و تدریس علوم دینی پرداخت.

آیت‌الله حاج شیخ مهدی نجفی به خلوص، پرهیزکاری، قناعت و زهد، خشوع و کرامت نفس مشهور بود. این ویژگی‌ها دلدادگان را پروانه وجودش ساخت به طوری که در هر شب جمعه دعای کمیل، در صبح جمعه دعاهای صحیفه سجادیه و در عصر جمعه دعای ندبه را همراه او زمزمه می‌کردند، تفسیر و شرح آن‌ها را از معظم له فرا می‌گرفتند، سرانجام عمر این مرد الهی زمان به سرآمد و در رمضان ۱۳۷۴ ق در جوار حق آرمید و در مقبره‌ای در کوچه دو مسجدان نزدیکی میدان کمال‌الملک امروزی به خاک سپرده شد.

۲. این گزارش در مصاحبه‌ای آمده است که جناب حسین نجفی فرزند مرحوم آیت‌الله نجفی با آیت‌الله جزائری و آیت‌الله کربلایی انجام داده است. این مصاحبه در ضمن زندگی‌نامه آیت‌الله نجفی درج شده که توسط نامبرده در اختیار اینجانب قرار گرفت.

۳. برخی از ویژگی‌ها را جناب حاج عباس آقا توحیدی‌نیا که سال‌ها در تفسیر آیت‌الله نجفی شرکت داشت، برای نگارنده نقل فرمود.

۴. مهدی متولد ۱۳۴۰ بود که در عملیات آزادسازی خرمشهر در دوران دفاع مقدس در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۱، دو پا، کلیه و طحال خود را از دست داد و در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۸ در بیمارستان به شهادت رسید.

۵. نگارنده از یکی از مسئولان بنیاد شهید، داستانی از تعبد مرحوم آیت‌الله نجفی شنیده بودم، وقتی آن را با فرزند معظم له در میان گذاشتم، تفصیل آن را چنین بیان کرد: من همراه جنازه برادر

شهیدم به کاشان آمدم، چون بعد از ظهر بود، جنازه را به دارالسلام منتقل کردیم تا فردا صبح آن را تشییع کنیم، (بنیاد شهید در همان زمان مشغول رتق و فتق تشییع جنازه شهدایی بود که قبلاً به

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او

کاشان آمده بود). آن روز عصر به منزل آمدم، مرحوم والد پرسید: جنازه چه شد؟ چرا تشییع نمی‌کنیم؟ عرض کردم قرار شد فردا صبح مراسم تشییع انجام شود، فرمود: «تشییع باید همین امشب برگزار شود و درست نیست در دفن جنازه درنگ کنیم». پس از اصرار مرحوم والد، ما همان غروب آفتاب با هماهنگی بنیاد شهید تشییع را شروع کردیم. مردم وفادار کاشان به رغم اینکه به تازگی از تشییع دیگر شهدا برگشته بودند، به مرور خبردار شدند و خود را به مراسم رساندند و پیکر شهید مهدی بعد از مغرب و در همان شب در قبرستان فیض با مشایعت بسیاری از مردم به خاک سپرده شد.

۶. نگارنده، زمانی که افتخار شاگردی درس تاریخ مرحوم حجت الاسلام آقا حاج علی دوانی را در دانشگاه امام صادق(ع) داشتم، به مناسبتی با این استاد بزرگوارم در رابطه با مرحوم آیت‌الله نجفی گفت‌وگویی داشتم. ایشان با صدایی بغض‌آلود چنین گفتند: «آقای نجفی از اوتاد روزگار بود، ولی متأسفانه گمنام در کاشان زندگی کرد و از دست رفت».

۷. ایشان چنین فرموده بود: خیلی هنر بکنم، خود را از آتش جهنم برهانم، اما در این هم امیدی ندارم مگر به شفاعت دو نفر یکی مرحوم والد و دیگری شفاعت فرزندم مهدی.

۸. جناب آقای حسین نجفی برای نگارنده نقل فرمود که یک روز مرحوم والد، گودالی در باغچه منزل حفر و دست‌نوشته‌هایی را در آنجا دفن کرد. در میان این دست‌نوشته‌ها، برگه‌هایی به چشم می‌خورد که شبیه برگه‌هایی بود که تفسیر سوره طه و انبیاء... را روی آن‌ها نوشته بود. از طرفی از شاگردان تفسیری مرحوم والد شنیدم که ایشان فرموده بود: «حال که تفسیری به نام *المیزان* توسط شخصیتی مثل علامه طباطبایی نوشته شده است، به تفسیر ما نیازی نیست». پس از شنیدن این خبر بود که دریافتم در میان آنچه مرحوم والد در باغچه منزل دفن کرده بود، تفاسیری بود که تا آن زمان نوشته بودند و از آن‌ها در تفاسیر به جا مانده یادی کرده‌اند. نگارنده در حالی که به مطالعه تفاسیر معظم له مشغول بودم، متوجه این نکته شدم که مفسر برخی مطالب را به تفسیر سوره‌هایی حواله می‌دهد که قبلاً تفسیر کرده است؛ برای نمونه می‌گوید: «این مطلب را در سوره بقره گفته‌ام (تفسیر سوره طه، ص ۲۸) و یا در تفسیر سوره اسراء و در تفسیر سوره هود گفته‌ام (تفسیر سوره انبیاء، ص ۱۳۲ و ۱۵۵) و یا می‌فرماید در تفسیر سوره صافات و اعراف و ص و سبأ خواهم گفت. (همان، ص ۸۰، ۱۷۰، ۱۷۷، و ۱۹۱) این جملات نشان می‌دهد که اولاً ایشان عزم تفسیر کل قرآن را به صورت مکتوب داشته‌اند و ثانیاً

سوره‌های بقره، اسراء و هود را تفسیر کرده‌اند که اثری از آنها در دست نیست.

۹. متن نامه علامه طباطبایی در پاسخ به اشکال تفسیری آیت‌الله نجفی:

به عرض عالی می‌رساند مرقومه شریفه چند روز است زیارت شده، متأسفانه در اثر پاره‌ای گرفتاری‌ها نتوانسته‌ام به عرض جواب و اظهار تشکر بپردازم، ولی با قرائت نامه، بی اختیار جنابعالی را از ته دل دعا کردم در حرم نیز سلامی از ناحیه‌تان رساندم. امید دارم پیوسته با تأییدات خداوندی عز اسمه مؤید باشید. مربوط به دو فقره اشکالی که مرقوم داشته بودید در اثر گرفتاری تا کنون موفق نشده‌ام تفصیلاً مراجعه نموده ورود و عدم ورود اشکال را بفهمم لکن قدر متیقن در خلال تفسیر آیات ارث یک فقره اشکال دیگر است که محتاج به مراجعه به همه آنهاست و بنده با اینکه مدتی است در فکر پیدا کردن محل آن و اصلاح آن می‌باشم، هنوز مجال و فرصت پیدا نکرده‌ام. لطفاً اگر جنابعالی عنایت کرده در خلال این چند صفحه محل آن را پیدا کرده، مرقوم فرمائید، موجب مزید تشکر و دعاگویی خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمة الله

محمد حسین طباطبایی

۴۵/۱۲/۲۴

۱۰. برخی از این منابع عبارت است از نهج البلاغه، اصول کافی، بحارالانوار، المحاسن، عیون اخبار الرضا، التوحید، الارشاد، الاحتجاج، من لایحضره الفقیه، وسائل الشیعه، امالی صدوق، ارشاد القلوب، روح البیان، الدر المنثور، البرهان، تفسیر القمی، الکشاف، تفسیر العیاشی، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، انوار التنزیل، و اسرار التأویل، روح المعانی، مجمع البیان، تفسیر الکبیر، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، روض الجنان...، الجامع لاحکام القرآن، بیان السعاده فی مقامات العبادة، تفسیر الصافی، تورات و انجیل و... .

روش‌شناسی تفسیر  
آیت‌الله نجفی با مروری  
بر زندگی و آثار او



## منابع

- قرآن کریم.
- اشتباه عمدی؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- اعتبار و کاربرد روایات تفسیری؛ علی احمد ناصح، چ ۱، بوستان کتاب، قم ۱۳۸۷.
- افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی (۱)؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی (۲)؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی (۳)؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- برداشتی از نماز؛ علی نجفی کاشانی، چ ۱، محتشم، کاشان ۱۳۷۶.
- بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- «به یاد آیت الله استاد نجفی کاشانی»؛ علی دوانی، کیهان فرهنگی، شماره ۴۲، شهریور ۱۳۶۶.
- پیرامون شراب؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- تابشی از قرآن؛ سید ابوالفضل برقی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- تفسیر سوره انبیاء؛ علی نجفی کاشانی، ترجمه و تعلیق ماشاءالله جشنی، چ ۱، دعوت، تهران ۱۳۸۷.
- تفسیر سوره زلزال؛ علی نجفی کاشانی، چ ۱، دعوت، تهران ۱۳۸۰.
- تفسیر سوره طه؛ علی نجفی کاشانی، ترجمه و تعلیق ماشاءالله جشنی، چ ۱، نشر دعوت، تهران ۱۳۹۰.
- تفسیر سوره قدر؛ علی نجفی کاشانی، چ ۱، محتشم، کاشان ۱۳۷۵.
- تفسیر سوره کهف؛ علی نجفی کاشانی، ترجمه و تعلیق ماشاءالله جشنی، چ ۱، دعوت، تهران ۱۳۸۹.
- تفسیر سوره لیل؛ علی نجفی کاشانی، چ ۱، دعوت، تهران ۱۳۸۷.
- تفسیر صافی؛ ملامحسن فیض کاشانی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی‌تا.
- روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ علی اکبر بابایی و دیگران، چ ۲، سمت، تهران ۱۳۸۵.
- زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- سرانجام کافر؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- صدق بزرگ‌ترین فضیلت اخلاقی، ادبی و اجتماعی؛ علی نجفی کاشانی، حکمت، قم، بی‌تا.
- علامه طباطبایی و حدیث؛ شادی نفیسی، چ ۱، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۴.
- علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین (ع) در خانه خدا به دنیا آمد؛ علی نجفی کاشانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یکم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۱



- لنگرهای زمین؛ علی نجفی کاشانی، حکمت، قم، بی تا.
- مبانی و روش‌های تفسیر قرآن؛ عباسعلی عمید زنجانی، چ ۴، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی جا، بی تا.
- مکاتب تفسیری؛ علی اکبر بابایی، چ ۱، سمت، تهران ۱۳۸۶.
- یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ؛ علی نجفی کاشانی، بی جا، بی نا، بی تا.

